

نشریه علمی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم، بهار ۱۴۰۱

بررسی و تحلیل بنیان‌های تعلیمی در رباعیات سعدی

حمزه اکبری زاده⁻ - دکتر نعمت اصفهانی عمران⁻ - دکتر حمید طبسی⁻

چکیده

بسامد بسیار چند مضمون اخلاقی در متن، بیانگر بنیان‌های تعلیمی در تفکر نویسندۀ آن است. بنیان‌های تعلیمی در قالب‌های ادبی منسجم و کوتاه مانند رباعی نمایان‌تر است؛ زیرا شاعر می‌کوشد با مختصرترین فرم اندیشگانی، برای تأثیرگذاری بیشتر، تفکرات پندآموز خود را به تصویر بکشد. سعدی از شاعران جامع‌الاطرافی است که در قالب‌های متعدد شعری از جمله رباعیات، دغدغه‌های تعلیمی‌اش را بیان کرده است. این دغدغه‌ها و بنیان‌های تعلیمی در رباعیات سعدی، به دلیل ایجاز و اختصار فرمی و ساختاری نسبت به دیگر آثار وی نمود بارزتری دارد. این پژوهش از این نظر اهمیت و ضرورت دارد که در پژوهش‌های ادبی کمتر به تحلیل رباعیات تعلیمی سعدی پرداخته شده است؛ نیز رباعیات ظرفیت ویژه‌ای برای دستیابی به بنیان‌های تعلیمی سعدی دارد؛ بر این اساس در این مقاله تلاش شده است با روشی توصیفی و تحلیلی، بنیان‌های تعلیمی رباعیات سعدی بررسی شود که البته تا به حال واکاوی نشده است. مضامین متعددی از جمله مرگ،

— دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران
hamzehakbarizadeh1361@gmail.com

— استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران (نویسنده مسؤول)
dr.esfahaniomran2018@jmail.com

— استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران
hamidtabasi@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

تاریخ وصول ۱۴۰۰/۷/۲۵

بی‌اعتباری دنیا، عشق، جبر، اختیار، عدالت و اخلاقیات (تذکرات خاص رفتاری)، ژرف‌ساخت تعلیمی رباعیات سعدی را تشکیل می‌دهد. فهم و درک این مضامین تعلیمی نیازمند طبقه‌بندی و نگاهی تبارشناسانه است تا بتوان به خاستگاه فکری و عقیدتی شاعر دست یافت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بنیان‌های تعلیمی در رباعیات سعدی، متأثر از اندیشه‌های فقهی و کلامی دوران خود و اندیشه‌های فلسفی ایران باستان بوده و شاعر بنابر اوضاع نابسامان اجتماعی عصر خود به سرودن رباعیات پندآمیز و تعلیمی پرداخته است تا بتواند مجموعه‌ای از کنش‌های نیک اخلاقی را به مخاطب تعلیم دهد.

واژه‌های کلیدی

سعدی، رباعیات، بنیان‌های تعلیمی، مضامین فلسفی - اخلاقی

۱- مقدمه

بنیان‌های تعلیمی یعنی مجموعه دغدغه‌های ذهنی و مضامین شکل‌گرفته در ذهن یک شاعر که برای پند و اندرز به مخاطبان خود، در قالب اشعار مختلف سروده شده است. «شعر تعلیمی شعری است که هدف سراینده از سرودن آن، آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های پسندیده دینی و انسانی می‌باشد» (رزمجو، ۱۳۷۴: ۷۷). از قرار گرفتن ترتیب دغدغه‌های ذهنی در مخیله یک شاعر می‌توان به شالوده و طرح فکری او درباره مسائل اخلاقی پی برد. بنیان‌های تعلیمی شکل‌گرفته در اندیشه و شیوه تخیل و کاربرد آن مفاهیم، از جمله حالات فکری هر شاعری است که به وضعیت دوره زندگی، عقاید درونی، دینی، فرهنگی، ادبی و شخصی او وابسته است.

توجه به موضوعات تعلیمی و مضامین به‌کاررفته در محتویات شعری یک مجموعه، شالوده شخصیتی، عقیدتی، اخلاقی و اندیشه فلسفی شاعر را بروز می‌دهد. در این بین، شاعر با تشخیص‌های شعری و مضامین ویژه‌ای که در شعر خود به کار برده است، به نوعی سبک خاص خود می‌رسد که وی را از دیگران متمایز می‌کند. بررسی مضامین تعلیمی یک مجموعه شعری، اسلوب ادبی و علمی مناسبی برای شناخت هویت فردی،

عقیدتی، ادبی، فرهنگی و ایدئولوژیک یک شاعر است. با این معیار سنجش می‌توان وجوه فکری و اعتقادات دینی و شخصی او را مشخص کرد و به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخت. در مجموع می‌توان گفت نگرش‌های اخلاقی موجود در هر متن تقریباً متفاوت با دیگر متون است. در این پژوهش تلاش می‌شود، این ویژگی‌ها در حوزه تعلیمی و اندیشگانی سعدی بررسی شود.

شرایط فکری و سیاسی حاکم در دوره زندگی سعدی توانسته است فرم و محتوای متن را تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، فرم و محتوا می‌توانند تابعی از کاربرد شرایط اجتماعی دوران او باشند. انتخاب معانی و مضامین گوناگون در رباعیات سعدی با عناوین فلسفی این متن در ارتباط است؛ زیرا انتخاب قالب رباعی به دلیل اختصار و ایجاز زبانی و محتوایی که دارد، مخاطب را بیشتر با معنی درگیر می‌کند و تأثیرگذاری مضاعفی دارد. سعدی نیز موضوعات تعلیمی خود را در بطن مضامین فلسفی و در قالب شعر رباعی بیان کرده است؛ بر همین اساس توجه به بنیان‌های تعلیمی این رباعیات، بهتر می‌تواند ارزش فرمی و محتوایی رباعیات سعدی را نمایان کند. «آنچه در ادب تعلیمی مطرح است، بیشتر مسائلی است که در حوزه دین و مذهب و اخلاق و فلسفه قرار دارد و با ویژگی‌های ادبی و تعلیمی سروده شده است» (تمیم‌داری، ۱۳۷۹: ۲۳۹).

رباعیات سعدی مجموعه‌ای جامع از بنیان‌های فکری و تعلیمی اوست که به صورت کلی شامل درونمایه‌های عرفانی، اخلاقی، فلسفی، خیامی و عاشقانه است. این رباعیات با مضامین مختلف تعلیمی مانند مرگ، بی‌اعتباری دنیا، جبر، اختیار، عشق، عدالت و اخلاقیات همراه شده است. سعدی تا حدودی تعالیم اخلاقی و اندرزها را در رباعیات خود، متنوع‌تر از دیگر قالب‌های شعری‌اش نمایان کرده است؛ از این رو بررسی بنیان‌های تعلیمی سعدی، گامی مهم در شناخت منظومه فکری و عقیدتی اوست. این مقاله با تحقیق درباره افکار تعلیمی سعدی، در پی آن است تا این مضامین اخلاقی و فلسفی را در روستا ساخت تفکرات او تجزیه و تحلیل کند. در این پژوهش کمیّت رباعیات مدنظر نیست و بیشتر به همان بُعد محتوایی رباعیات و کیفیت مفاهیم تعلیمی آن‌ها پرداخته شده است.

۱-۱ هدف پژوهش

بیشتر محققان و نویسندگان، تعلیمات سعدی را اغلب در بوستان، گلستان و غزلیاتش جست و جو می کنند؛ حال آنکه رباعیاتی تعلیمی و تأمل برانگیز نیز دارد. بر این اساس هدف این تحقیق آن است که اندیشه‌های ادبی و تعلیمی رباعیات سعدی – که تاکنون واکاوی و بررسی نشده است – پس از طبقه بندی، بررسی و تجزیه و تحلیل شود؛ در نتیجه مضامین فکری و تعلیمی شاعر بهتر شناخته خواهد شد.

۲-۱ پیشینه پژوهش

درباره تعلیم اخلاقی سعدی در قالب شعر مثنوی، قصیده و غزل پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ اما در رباعیات سعدی تحقیق جامع و مستقلی صورت نگرفته است و فقط گاهی در بعضی مقالات برای ارائه شاهد مثال دو سه بیت از رباعیات شاعر آورده شده است. مقاله «سبک‌شناسی زبانی رباعیات سعدی» از امید مجد و نسرین سیدزاده، یکی از مقالات پژوهشی درباره رباعیات سعدی است؛ ولی در حوزه زبانی بوده و از نظر محتوایی و معنایی به آن پرداخته نشده است. مقاله «سعدی و خیام» از محمد رضا قنبری، از دیگر تحقیق‌هایی است که مضمون مرگ و بی‌اعتباری دنیا را در نگاه دو شاعر بررسی کرده است؛ شمار بسیاری از غزلیات سعدی به همراه سه رباعی از او در این تحقیق آورده شده است و تنها ارجاع مقاله حاضر به این تحقیق، دو مسئله جزئی درباره تفکرات فلسفی سعدی بوده که به موضوع مقاله حاضر نزدیک است. تحقیق دیگری که در این زمینه انجام شده، مقاله «سعدی تالی فردوسی» از تجلیل تجلیل است که به امر مرگ و عدالت در مخیله دو شاعر پرداخته شده است. در این تحقیق نیز نویسنده دو بیت از رباعیات سعدی را استفاده کرده و برای شاهد مثال‌های بیشتر، تعداد بسیاری از غزلیات شاعر را ارائه کرده است. دو تحقیق دیگر هم درباره جبراندیشی و اختیارگرایی سعدی ارائه شده است که به موضوع تحقیق حاضر نزدیک بوده، ولی از رباعیات شاعر استفاده نشده است؛ این دو تحقیق عبارت‌اند از: «ریشه‌های جبرگرایی و اختیارگرایی در سبک عراقی و شعر سعدی» از هومن رشیدی و «بررسی شباهت برخی از اندیشه‌های سعدی و باورهای زروانی» از منوچهر جوکار و دیگران که در باب اثبات جبرگرایی سعدی، به

همراه اندیشه‌های فلسفی و تعلیمی نوشته شده و فقط تعدادی از غزلیات شاعر آورده شده است. درباره اشعار عاشقانه سعدی هم مقالات متعددی نوشته شده است؛ از آن جمله «تحلیل محتوای مفهوم عشق در غزلیات سعدی» از خسرو رشیدی است که در آن هم از رباعیات شاعر استفاده نشده است.

وجه تمایز این مقاله با پژوهش‌های که به آن‌ها اشاره شد این است که تحقیق حاضر به‌طور اختصار و جامع، به مضامین تعلیمی مختلف به‌کاررفته در رباعیات سعدی با بررسی پنج مضمون توجه کرده است؛ در صورتی که در دیگر پژوهش‌ها، فقط به یک یا دو مضمون پرداخته شده و از رباعیات پرمحتوا و فلسفی شاعر هیچ استفاده‌ای نشده است.

۳-۱ ضرورت پژوهش

کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های بسیاری درباره تعالیم اخلاقی سعدی نگاشته شده است؛ اما درباره رباعیات او و جنبه‌های مختلف تعلیمی آن، کار تحقیقی مستقل و مجزایی صورت نگرفته است. بررسی محتوای اندیشه‌های تعلیمی و فلسفی در رباعیات سعدی از جمله موضوعاتی است که محققان از آن غافل مانده‌اند و این مقاله به این مسئله پرداخته است. بی‌تردید با نگاشتن چنین تحقیق‌هایی، مضامین مختلف، مفاهیم و وجوه متعدد معنایی، فکری، تعلیمی و فلسفی به‌کاررفته در رباعیات سعدی بهتر و علمی‌تر مشخص می‌شوند.

۴-۱ روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، مبتنی بر پژوهش‌های کیفی، با رویکردی توصیفی، تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به سایت‌های علمی معتبر است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از شیوه تحلیل محتوا استفاده شده است؛ یعنی تلاش شده است با استفاده از اطلاعات درون‌متنی خود رباعیات، مضامین تعلیمی سعدی استخراج و تجزیه و تحلیل شود.

۵-۱ معرفی رباعیات

۲۰۳ رباعی از سعدی برجای مانده است که با اندکی تسامح می‌توان آن‌ها را به این موضوعات تقسیم و طبقه‌بندی کرد. «۱۲۰ رباعی محتوای عشق زمینی دارد که حدود ۶۰

درصد را در بر می‌گیرد؛ حدود ۲۰ رباعی جنبهٔ عشق عارفانه دارد که ۱۰ درصد رباعیات را محسوب می‌شود؛ ۴۵ رباعی به صراحت جنبهٔ پند و اندرز دارند که حدود ۲۱ درصد به آن اختصاص داده می‌شود؛ حدود ۶ رباعی، خیامانه سروده شده است که حدود ۳ درصد تخمین زده می‌شود و حدود ۱۲ رباعی با محتوای عدل به کار رفته که ۶ درصد رباعیات را شامل می‌شود» (مجد و سیدزاده، ۱۳۹۹: ۳۷۰). نکتهٔ مهم در اینجا این مطلب است که در این رباعیات جنبهٔ تعلیمی و پند و اندرز با بسامد بسیار بالایی نمایان است؛ بر همین مبنا این تحقیق به خوشه‌های معنایی و تعلیمی نظر داشته است.

۲- بررسی بنیان‌های تعلیمی در رباعیات سعدی

۲-۱ مرگ و بی‌اعتباری دنیا در نگاه اخلاقی سعدی

سعدی با زبانی تعلیمی و بنابه دلایل متعدد، به مضمون مرگ و بی‌اعتباری دنیا پرداخته است که در اینجا به تفسیر جلوه‌های متعدد نگاه او به این امر مهم پرداخته خواهد شد.

از نظر سعدی مرگ پایان نیست؛ بلکه نوعی گذر از یک جایگاه عاریتی به منزلی جاودانه است. بر همین اساس خوشه‌های معنایی متناسب با این تفکر در رباعیات وی شکل گرفته است. یکی از این خوشه‌های فکری در باب مضمون بی‌اعتباری دنیا و مرگاندیشی این است که شاعر با دیدی فرامادی و معنوی به همگان تأکید می‌کند فریب دنیای پر زرق و برق را نخورید و توجه به سرای دیگر و تفکر در عاقبت امور مدّ نظر تان باشد.

تا کی به جمال و مال دنیا نازی
آمد گه آنکه راه عقبی سازی
ای دیر نشسته وقت آن است که جای
یک چند به نوخواستگان پردازی
(همان: ۷۳۶)

مضمون مرگ از جمله موضوعات فلسفی چشمگیر و به تعبیری استعارهٔ برتر در رباعیات سعدی است که البته این تفکر نوعی مضمون بینامتنی است؛ یعنی شاعر از گذرگاه گفت‌وگو با متون قبل از خود، به مضمون مرگ جهت‌گیری خاص تعلیمی داده است؛ مثلاً در باب بی‌اعتباری دنیا، از مضامین فکری و فلسفی فردوسی هم بهره برده و

مثل داستان‌های شاهنامه، مرگ با نوعی گذر همراه است. «سعدی از عمق پیوند ایرانیان با شاهنامه به نیکی آگاه است؛ لذا همه جای اشعارش، مثل شاهنامه، به امر حیاتی مرگ توجه می‌کند. ناپایداری دنیا و گذر عمر، بزرگ‌ترین درسی است که سعدی از گذر زمان می‌گیرد» (تجلیل، ۱۳۸۰: ۷). یکی دیگر از نگاه‌های سعدی به مفهوم مرگ، باعث شکل‌گیری اندیشه زوال قدرت ظالمان در رباعیات وی شده است. سعدی با نگاهی خردمندانه و حکیمانه به انسان‌های صاحب منصب و قدرت‌هشدار و پند می‌دهد که جهان رو به زوال است؛ پس در عاقبت امر خود بیندیشید و به زیردستان خود ظلم و ستم روا ندارید که عاقبت مرگ شما را درمی‌یابد:

دریاب کزین جهان گذر خواهد بود وین حال به صورتی دگر خواهد بود
گر خود همه خلق زیردستان تواند دست ملک الموت زیر خواهد بود
(سعدی، ۱۳۸۵: ۷۳۱)

مضمون مرگ در رباعیات سعدی، اندیشه کوتاهی عمر را نیز برجسته می‌کند. این کوتاهی عمر، خود باعث شکل‌گیری اندیشه بی‌ثباتی و بی‌ارزشی دنیا شده است. همه این مضامین را سعدی در تصویر تعلیمی «کوچ و رحلت» به تصویر کشیده است:

آن کیست که دل نهاد و فارغ نشست پنداشت که مهلتی و تأخیری هست
گو میخ‌مزن که خیمه می‌باید کند گو رخت منه که بار می‌باید بست
(همان: ۷۳۴)

بی‌ثباتی دنیای رو به زوال، اندیشه تعلیمی داد و دهش و بخشش را شکل می‌دهد: امروز که دستگاه داری و توان پیش از تو از آن دگری بود جهان بیخی که بر سعادت آرد نشان بعد از تو از آن دگری باشد هان
(همان: ۷۳۵)

گر کان فضایی و گر دریایی بی‌راحت خلق باد می‌پیمایی
گر با همه عیب‌ها کریم آسایی عیب هنر است و زشتیت زیبایی
(همان: ۸۸۱)

جاودانه کردن نام و یاد در خاطر افراد و زمانه، در این دنیای رو به فنا و نیستی، به همراه افعال نیک و منفعت‌رسانی به عوام، یکی دیگر از نکته‌های تعلیمی و عقیدتی

سعدی است؛ وی بر این امور معنوی تأکید فراوانی کرده است تا ارزش نیکی و فضل و بخشش بر همگان معلوم شود:

بالای قضا رفته فرمانی نیست
امروز که عهد تست نیکویی کن
چون درد اجل گرفت درمانی نیست
کاین ده همه وقت از آن دهقانی نیست
(همان: ۴۲۱)

ای صاحب مال فضل کن بر درویش
نیکویی کن که مردم نیک اندیش
گر فضل خداوند می شناسی بر خویش
از دولت بختش همه نیک آید پیش
(همان: ۷۳۵)

بشنو به ارادت سخن پیر کهن
خواهی که کسی را نرسد بر تو سخن
تا کار جهان را تو بدانی سر و بن
تو خود بنگر آنچه نه نیکوست مکن
(همان: ۸۰۶)

عقا بشد و فرّ همایش بماند
گر مه بگرفت صبح صادق بدمید
زینده تخت پادشایش بماند
ور شمع برفت روشنائیش بماند
(همان: ۷۳۵)

مسئله بی اعتباری دنیا در کلام سعدی ارتباط تنگاتنگی با بهره گیری از وقت محدود عمر دارد. این جلوه از نگاه سعدی، به صورت مکرر در رباعیات او دیده می شود. در زمینه بی ارزشی و فنای دنیا، سعدی مانند تفکرات خیّامی هشدار داده، دنیا محلی زودگذر و شتابان است که همگان باید قدر لحظّاتش را بدانند و تلاش کنند آن را به بیهودگی و هرزگی به پایان نرسانند و نهایت بهره و استفاده را از دنیای رو به ویرانی ببرند:

ماهی امید عمرم از شست برفت
عمری که ازو دمی بجانمی ارزد
بی فایده عمرم چو شب مست برفت
افسوس که رایگانم از دست برفت
(همان: ۷۳۱)

سعدی مانند شاعران دینی، دنیا را بی ارزش و زودگذر دانسته و از همگان می خواهد از دنیا بهره مادی و معنوی برند و آن را به بیهودگی و پوچی نگذرانند. سعدی باتوجه به عقاید معنوی که در تفکرات خود داشته مثل شاعران مادی نگر در زمینه مرگ دچار

درماندگی و نومیدی نشده است. باآنکه شاعران دیگر در اشعار و افکار خود از مرگ‌هراسی و بی‌اعتباری دنیا سخن گفته‌اند، سعدی از آن درد و رنج‌های نهفته درونی، سخنی به میان نیاورده و مرگ را نوعی گذر به سراپی دیگر معرفی کرده است. «سعدی در اشعاری با تأسی از افکار خیامی، هم‌گذران عمر را هشدار می‌دهد، هم به جاودانگی و قدرت بیکران خداوند اقرار می‌کند. سعدی پایان کار آدمی را مرگ می‌داند؛ اما همواره حکمت درونی او یأس آغازین را درمی‌نوردد و از سر تأمل راه رستگاری را می‌آموزد. سعدی اعتراضی ندارد که چرا عمر می‌گذرد، اندیشه دینی او ناظر به بیهوده‌گذرانی عمر است» (قنبری، ۱۳۸۵: ۹۴).

۲-۲ عشق عامل رسیدن به آرامش در نگاه تعلیمی سعدی

سعدی با ارائه مضامین عاشقانه در رباعیات خود قصد دارد به همگان اندرز بدهد که آرامش بشریت با عشق زمینی و آسمانی حاصل می‌شود. «سعدی می‌خواهد با نشان دادن عشق به بندگان خدا و جلب رضایت هموعان، به عشق خالق هستی و صفای باطن دست یابد و آن را به‌مثابه پندی از آموزه‌های معرفتی خود ابراز کند» (امداد، ۱۳۷۷: ۱۲۶). سعدی در باب عشق، رویکردی مادی و معنوی در رباعیات خود دارد و محتوای کلی آن‌ها بر پایه عنوان‌های دل‌انگیز، به‌همراه شور و نشاطی وافر، در ارتباط بین یک عاشق و معشوق است که ظاهراً بیش از برداشت معنوی، بیشتر برداشت مادی می‌توان از آن داشت. «رباعیات سعدی بیشتر از خوش‌بینی و لذت بردن از مناظر طبیعت و شیفستگی جمال و زیبایی حکایت می‌کند» (غنی، ۱۳۸۰: ۶۷۱):

ای یار کجایی که در آغوش نه‌ای
وامشب برما نشسته چون دوش نه‌ای
ای سرو روان و راحت نفس و روان
هرچند که غایبی فراموش نه‌ای
(سعدی، ۱۳۸۵: ۷۳۵)

هر ساعتم اندرون بجوشد خون را
واگاهی نیست مردم بیرون را
الا مگر آن که روی لیلی دیده‌ست
داند که چه درد می‌کشد مجنون را
(همان: ۵۶۹)

عظیم‌ترین بخش رباعیات سعدی به درونمایه‌های عاشقانه تعلق دارد که حدود ۱۴۰ رباعی در این باب سروده است. عشق واژه‌ای است که هرگز از زبان سعدی نمی‌افتد.

مضامین عاشقانه با مفهوم عشق زمینی بیشترین بسامد را در رباعیات سعدی به خود اختصاص داده است. حدود ۱۲۰ رباعی با نگاه مادی ارائه شده و ۲۰ رباعی هم محتوای عشق عرفانی را در بر می‌گیرد.

از یک دیدگاه در تفسیر اشعار عاشقانه سعدی می‌توان گفت، بنابه روحیه عرفانی سعدی، بنای شاعر بر عشقی مقدس است که از مخلوق شروع شده است و به خالق ختم می‌شود. «عشقی که سعدی از آن سخن می‌گوید، ودیعه‌ای ازلی و جاودانه است که ساری و جاری در همه پدیده‌هاست و آموزگار و انگیزه‌دائمی شعرسرایی‌اش همین مقوله عشق و عاشقی است» (رشیدی، ۱۳۷۹: ۲۴).

جایی که درخت عشق پر بار بود دُر در نظر و گهر در انبار بود
آنجا همه کس یار وفادار بود یار آن است که در بلا یار بود
(همان: ۷۳۳)

در زمینه اغتنام فرصت برای حصول شادزیستن، درصد تأمل‌برانگیزی از رباعیات سعدی با قرارگرفتن عاشق در کنار معشوقی زیبارو برای لذت و کام‌جویی بیان شده است که عاشق می‌خواهد از این طریق در کنار معشوق به آسایش حقیقی برسد. عشق در رباعیات سعدی از امور اساسی و جدایی‌ناپذیر است که حصول شادی شاعر از این طریق حاصل می‌شود:

گویند هوای فصل آزار خوش است بوی گل و بانگ مرغ گلزار خوش است
ابریشم زیر و ناله زار خوش است ای بیخبران این همه با یار خوش است
(همان: ۷۳۰)

در رباعیات زیر معشوق به ناز و عشوه پرداخته و به عاشق دلخسته و درمانده که در پی کام‌جویی بوده، روی خوش نشان نداده است. این نوع رابطه نامعمول و بی‌توجهی معشوق به عاشق، از لطایف ظریف و احساسی رباعیات سعدی است که در موضوعات عشق عرفانی یا مادی و معشوق‌پرستی، جلوه خاص و بی‌نظیری دارد:

خیزم قد و بالای چو حورش بینم و آن طلعت آفتاب نورش بینم
گر ره ندهندم که به نزدیک شوم آخر نزنندم که ز دورش بینم
(همان: ۵۷۹)

ای بی تو فراخای جهان بر ما تنگ ما را به تو فخرست و تو را از ما ننگ
ما با تو به صلیحم و تو را با ما جنگ آخر بنگویی که دل است این یا سنگ
(همان: ۵۷۷)

همان طور که ذکر شد، سعدی در کنار عشق زمینی و مادی به عشق معنوی هم بنابه روحیه دینی و اعتقادی خود، توجه داشته است. او با سرودن رباعیاتی در این زمینه، قصد داشته است در قالب مضامین دنیایی، ارادت خود را به معشوق آسمانی و یا همان معبود ثابت کند و از این راه به آرامش قلبی و شهودی برسد و به همگان ارزش عشق الهی را تذکر دهد. «عشق سعدی تنها به جمال آدمی و زیبایی‌های صوری محدود نمی‌شود؛ بلکه در پس این همه زیبایی، نقاشی ازل را هم می‌بیند» (رشیدی، ۱۳۷۹: ۲۵):

ای بی رخ تو چو لاله‌زارم دیده گرینده چو ابر نوبهارم دیده
روزی بینی در آرزوی رخ تو چون اشک چکیده در کنارم دیده
(همان: ۱۲۲)

می‌آیی و لطف و کرم می‌بینم آسایش جان در قدمت می‌بینم
و آن وقت که غایبی همت می‌بینم هر جا که نگه می‌کنمت می‌بینم
(همان: ۵۷۹)

روزی دو سه شد که بنده نخواستہ‌ای اندیشه به ذکر وی نپرداخته‌ای
زان می‌ترسم که دشمنان اندیشند کز چشم عنایتم بینداخته‌ای
(همان: ۷۳۵)

«در رباعیات سعدی، لذات معنوی و مادی توأمان ستایش شده‌اند. او نیز اگرچه همان مضامین خیّامی را در اغتنام از فرصت و خوش‌بودن تکرار می‌کند، ولی می‌گوید، وصیت همین است جان برادر که اوقات ضایع مکن تا توانی» (قنبری، ۱۳۸۵: ۹۲):

داد طرب از عمر بده تا برود تا ماه برآید و ثریا برود
ور خواب گران شود بخشیم به صبح چندان که نماز چاشت از ما برود
(همان: ۷۳۳)

سرو از قلدت اندازه بالا بردست بحر از دهننت لؤلؤ لالا بردست

هرجا که بنفشه‌ای بینم گویم موی ز سرت باد به صحرا بردست
(همان: ۷۳۲)

در تفسیر بعضی از اشعار عاشقانه سعدی، نمی‌توان به صراحت ابراز کرد که منظور او از معشوق یک معشوق آسمانی (معبود) است؛ از سویی تفسیر کردن به معشوق زمینی هم به طور قطعی، جای مناقشه و تردید است؛ فقط به طور کلی و از روی نمای ظاهری اشعار می‌توان گفت سعدی در رباعیات خود بیشتر از عناوین مادی در این باب استفاده کرده و به معشوق زمینی نظر داشته است؛ ولی به صورت محدودتر هم در اشعار خود به معشوق آسمانی توجه کرده و ناگزیر اعلام قطعیت درباره یکی از این دو مسئله بی‌تردید، در معنای بعضی از رباعیات پذیرفته نیست؛ نیز اتهام هوس پرستی برای جایگاه معنوی سعدی نابه‌جا و نادرست است.

۲-۳ عدالت در نگاه تعلیمی سعدی

یکی از مهم‌ترین موضوعات تعلیمی و پندآمیز در اشعار و افکار سعدی، دعوت افراد جامعه به اجرای عدالت است. نگاه سعدی به عدالت تابع اندیشه سیاسی و اسلامی اوست و در این باب هم بنابه روحیه تعلیمی و اخلاقی خود، با جنبه پند و اندرز رباعیاتی پر مغز سروده است. سعدی شاعری جامعه‌نگر است؛ در نتیجه، خواهان زنده کردن عدالت در دوره حمله مغول‌ها و جو نابسامان حکومتی بوده است. آن شرایط سیاسی و اجتماعی پر از خفقان، شاعری مقتدر و جسور مانند سعدی را می‌طلبیده است تا در برابر آن همه ناعدالتی و جور و ستم بایستد و امرای زمانه خود را به دادگری و اجرای عدالت دعوت کند و با آگاه کردن مردم از این همه بیداد و جنایات بی‌شمار، آنان را علیه حاکمان ظالم و مغول‌های خون‌خوار برانگیزاند. «در زمان سعدی ملت ایران با حمله خانمان‌سوز مغول به نحوی فاسد شده و ارزش‌های اجتماعی خود را از دست داده بود که افرادش به جای اتحاد و اتفاق در برابر بیگانگان، به‌جان یکدیگر می‌افتادند» (صفا، ۱۳۷۱: ۳۱۸).

سعدی به مبحث عدالت، اهمیت فراوانی داده است؛ به طوری که نخستین باب بوستان را به عدل و رأی و تدبیر اختصاص داده و نظریات تعلیمی متعددی را در این باب ارائه کرده است. بزرگ‌ترین دغدغه فکری در غزلیات و رباعیات تعلیمی سعدی، اجرای

عدالت در جامعه بوده است؛ زیرا عدالت ضامن اجرای دیگر امور بوده است؛ بر همین اساس در مبحث برقراری عدالت، شاعر پادشاهان و بزرگان زمانه را خطاب قرار می‌دهد و به آنان تعلیم می‌دهد که وقتی عاقبت انسان مرگ و نیستی است، باید عدالت‌گری را سرلوحه کار خود قرار دهند:

به نوبت اند ملوک اندر این سپنج سرای کنون که نوبت توست ای ملک به عدل گرای
چه مایه بر سر این ملک روان بودند چو دور عمر به سر شد درآمدند از پای
(سعدی، ۱۳۸۵: ۷۶۷)

«اساس یک جهان مطلوب در نگاه سعدی، عدالت‌محوری است. سعدی با در نظر گرفتن ویژگی قشرهای اجتماعی افراد و نیز شئون اجتماعی که همان وضعیت زیست فرهنگی آنان است، به هدایت و پند و اندرزدهی آن‌ها پرداخته و پیوسته بر آن است تا سلاطین و پادشاهان را به این نکته یادآور شود که اجرای عدالت و حقوق تام و مصالحه‌ناپذیر انسان‌ها پیوسته در برابر مصالح دولتی و سیاسی ارجحیت و برتری دارد» (کمالی سروستانی، ۱۳۷۹: ۵۷). سعدی با پند و اندرزهای حکیمانه و عالمانه، درباره امر حیاتی عدالت، اصلی بنیادین و زیربنایی، به صاحبان قدرت هشدار می‌دهد که با اجرای عدالت چه مواهبی نصیب جامعه و خود شخص عدالت‌خواه می‌شود و در عوض با ظلم و استبداد، حاکمیتشان زوال می‌یابد و نیست و نابود خواهند شد.

در رباعی زیر شاعر درباره عدالت‌جویی، بزرگان را به دادگری دعوت می‌کند تا عواقب آن را ببینند:

ظلم از دل و دست ملک نیرو ببرد عادل ز زمانه نام نیکو ببرد
گر تقویت ملک بری ملک بری ور تو نکنی هر که کند او ببرد
(سعدی، ۱۳۷۵: ۷۳۲)

سعدی از زاویه‌ای معنوی و فرامادی به صراحت اعلام می‌کند که حتی روزگار و یا همان قانون طبیعت هم عدالت را اجرا می‌کند و ناگزیر جواب بی‌دادگری ظالم را خواهد داد؛ رباعی زیر چنین نظریه تعلیمی را درباره عدالت روزگار القا می‌کند:

نه هر که ستم بر دگری بتواند بی‌باک چنان که می‌رود می‌راند

پیداست که امر و نهی تا کی ماند ناچار زمانه داد خود بستاند
(همان: ۷۳۱)

«سعدی درباب عدالت چنین پند می‌دهد: ای انسان صاحب قدرت آگاه بوده و در این اندیشه باش که از دادگری و عدل و اندیشه صواب روی برنتابی که اگر چنین کردی و عدل را پیشه خود نساختی، روزگار جواب ناعدالتی تو را می‌دهد» (همان: ۳۲۲).

سعدی در باب مملکت داری، برای ایجاد حاکمیت آرامش در جامعه، در گام نخست به صاحبان قدرت سفارش می‌کند، اساس مملکت داری اجرای عدالت است و تا این اصل مراعات و پی‌ریزی نشود، هیچ امر دیگری تحقق نمی‌یابد؛ سپس شاعر عدالت‌گرا و بزرگ فارس، در اشعار خود از مردم رحم و مروت درباره یکدیگر را تقاضا می‌کند:

هر کس به نصیب خویش خواهند رسید هرگز ندهند جای پاکان به پلید
گر بختوری مراد خود خواهی یافت وز بخت بدی سزای خود خواهی دید
(همان: ۷۳۴)

در تفسیر نهایی نگاه سعدی به مقوله عدالت، این نکته تأمل برانگیز است که شاعر در همه آثار نظم و نثر خود نگاه ویژه و منحصر به فردی به این مضمون تعلیمی داشته است. با توجه به نیاز جامعه و اوضاع نابهنجاری که دشمنان خارجی و حاکمان مستبد داخلی به وجود آورده بودند، سعدی در مرتبه شاعری منتقد و اجتماعی وارد می‌شود و صاحب‌منصبان و قدرتمندان جامعه (مسئولان اجرای عدالت و نفی ظلم و جنایت) را مخاطب خود قرار می‌دهد و با پند و اندرزهای معنوی و اخلاقی می‌کوشد این اصل گمشده را به‌طور کاربردی و عملی در وجود آن‌ها و سطح جامعه زنده و برقرار کند.

۲-۴ جبر و اختیار راهی برای پذیرش تعالیم اخلاقی در نگاه سعدی

نگاه فلسفی سعدی به امر جبر و اختیار یک نگاه کاملاً تعلیمی است؛ بدین معنا که انسان‌ها با جبر روزگار و جبر رحمانی خداوند تأدیب می‌شوند و با قدرت اختیاری که دارند می‌توانند پندهای اخلاقی و انسانی را فراگیرند و آن‌ها را در همه شئون زندگی خود به کار برند. سعدی، هم به وجود جبر در زندگی انسان‌ها و هم به وجود اختیار معتقد است؛ یعنی همان امر بین الامرین را که در بین مسلمانان رواج داشته است؛ البته

نکته مهم و اساسی درباره جبر و اختیار در نزد سعدی این مطلب است که او به دخالت تقدیر و سرنوشت در زندگی انسان‌ها اعتقاد بیشتری دارد تا مسئله اختیار و در کنار همین دو دیدگاه، تعالیم اخلاقی خود را عرضه می‌کند و آن‌ها را به جبر و اختیار وابسته دانسته است. «با نگاهی به مضامین مربوط به جبر و اختیار در اشعار سعدی، متوجه می‌شویم که از میان حکایت‌ها یا اشعاری که او در آن‌ها به موضوع جبر و اختیار پرداخته، یا به آن اشاره داشته، توجهش بیشتر به جبر بوده است» (رشیدی، ۱۳۹۹: ۵۷). باتوجه به اینکه جبر و اختیار دو مقوله مهم فلسفی هستند، سعدی بنابه دیدی تعلیمی این دو امر را به صورت تلفیقی در راستای آموزه‌های تعلیمی خود به کار برده است:

هر دولت و مکتب که قضا می‌بخشد در وهم نیاید که چرا می‌بخشد
بخشنده نه از کیسه ما می‌بخشد ملک آن خداست تا که را می‌بخشد
(سعدی، ۱۳۸۵: ۷۳۲)

صبر بر قسمت خدا کردن به که حاجت ناسزا بردن
تشنه بر خاک گرم مردن به که آب سقای بی صفا خوردن
(همان: ۷۳۲)

سعدی در رباعی بالا به همگان پند و اندرز می‌دهد، آنچه تقدیر روزگار یا خداوند عالم به انسان‌ها می‌بخشد، براساس یک حساب و کتاب قانون‌مند است و در فکر و عقل انسان‌ها علت آن یافت نمی‌شود. در رباعی دوم، چنین پند می‌دهد که همه چیز را باید به تقدیرات خالق هستی سپرد.

سعدی به نوعی جبرگرایی به واسطه تسلط روزگار و یا همان بخت و تدبیر بر زندگی مردم معتقد بوده و ابراز کرده است که خیر و نیکی یا بدی و ظلم، از راه‌های ناخواسته و نامعلوم، در زندگی انسان‌ها رخنه می‌یابد که این اندیشه دقیقاً برگرفته از اندیشه‌های آیین زروانی و اندیشه فردوسی است. «از طریق همین متون زروانی، اشاره به قدرت آسمان، برشمردن ویژگی‌های آن و تأثیر گردش فلک و ستارگان در سرنوشت بشر، در شعر شاعران کهن، از جمله سعدی نمودی آشکار یافت» (جوکار و فاضلی، ۱۳۹۳: ۱۵):

بس چون تو ملک زمانه بر تخت نشاند هریک به مراد خویشتن ملکی راند

از جمله بماند و دور گیتی به تو داد دریاب که از تو هم چنین خواهد ماند
(همان: ۷۳۲)

نوع دیگری از جبراندیشی سعدی با نگاهی معنوی به حکمت و رحمانیت خدا در افکار او پدیدار شده و متقابلاً در اشعار او نمود یافته است؛ این نوع جبر در افکار سعدی بیانگر عقاید شیعه‌گری او است؛ جبرگرایی شیعه، از این دیدگاه توجیه‌پذیر است که خداوند رحمان آنچه به صلاح بندگان خویش باشد، در تقدیرشان قرار می‌دهد و هیچ‌گاه بدبندهایش را نخواست و نمی‌خواهد. «نظر شیعه همان مذهب امر بین امرین و جبر رحمانی است که ائمه اطهار علیهم‌السلام بیان فرموده‌اند که نه جبر است و نه تفویض؛ بلکه امری است خیرخواهانه از طرف خدا و و رای آن دو» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۹: ۶۸). این نوع جبرنگری با جبراندیشی آیین زروانی در افکار سعدی کاملاً در تضاد است. توجیه علمی و منطقی چنین نکته‌ای این نظریه است که سعدی در این باب یا تغییر عقیده داده و یا به هر دو نوع امر جبر و اختیار به طور توأمان معتقد بوده است. این رباعی را سعدی درباره جبر رحمانی از ناحیه خداوند بیان کرده است:

دادار که بر ما در قسمت بگشاد بنیاد جهان چنان‌که بایست نهاد
آن را که نداند از سببی خالی نیست دانست که سرو به خر نمی‌باید داد
(همان: ۷۳۲)

سعدی در تعدادی از رباعیات خود بر مسئله اختیار در وجود انسان‌ها اشاره کرده و همان‌طور که در سطور قبلی گفته شد، سعدی در باب جبر و اختیار به هر دو عنوان معتقد بوده است. در مسئله اختیارگرایی هم اعتقادی راسخ و محکم داشته است؛ دلیل این اعتقاد هم نصایحی است که سعدی در اشعار مختلف خود از جمله رباعیاتش بیان کرده و همگان را پند داده است. سعدی بنابه وجود امر اختیار در نزد انسان‌ها، به آن‌ها راه خیر و سعادت را تعلیم می‌دهد تا هر که خواهان راه حق است، آن را انتخاب کند و در این وادی قدم نهد:

امروز که دستگاه داری و توان بیخی که بر سعادت آرد بنشان
پیش از تو از آن دگری بود جهان بعد از تو آن دگری باشد هان
(سعدی، ۱۳۸۵: ۷۳۵)

تا دل به غرور نفس شیطان ندهی کز شاخ بدی کس نخورد بار بهی
الا که ذخیره قیامت بنهی ورنه نشود کاسه پر از دیگ تهی
(همان: ۷۳۵)

«سعدی برخلاف عموم اشاعره که در افعال بندگان قائل به جبر هستند، طریقه اختیار را هم برگزیده است؛ یعنی یک نگاه تلفیقی» (رشیدی، ۱۳۹۹: ۷۲). در رباعی زیر شاعر بنا بر اعتقاد به مختار بودن انسان، تأکید می‌کند که پانهادن در راه احسان و بخشش، عاقبت نیکی را هم در پی دارد:

از دست مده طریق احسان پدر تا بر بخوری ز ملک و فرمان پدر
جانا پدرت ازان جهان می‌گوید زنهار خلاف من مکن جان پدر
(همان: ۷۳۴)

از نظر سعدی اگر به زندگی انسان‌ها نگریسته شود، هم جبر در زندگی آن‌ها حاکم است و هم اختیار. از نظر او هیچ کدام از این مضامین نفی شدنی نبوده است و هر دو مضمون توأمان در کنار همدیگر، بر زندگی انسان‌ها تسلط و حاکمیت دارند و باید از این دو امر حیاتی پند گیرند تا با انتخاب راه حق به سعادت و رضایت حق دست یابند. سعدی درباره جبر بدین قرار انسان‌ها را تعلیم می‌دهد که با ظلم و استبداد، حوادث ناخوشایند از ناحیه جبر و تقدیر خداوند و روزگار به‌طور ناگهانی بر سر انسان‌ها فرود می‌آید و با داشتن اختیار، انسان‌ها می‌توانند امور زندگی‌شان را به بهترین وجهی سپری کنند.

۲-۵ اخلاقیات

رباعیات اخلاقی از جمله تذکرات رفتاری هستند که به صورت جزئی و تکبیت در لابه‌لای رباعیات سعدی نگاشته شده‌اند و بسامد ندارند؛ ولی در کنار یکدیگر مجموعه‌ای مجزاً را تشکیل داده‌اند. شاعر برای تعلیم افعال معرفتی - کرداری به مخاطبان خود، این موضوعات را در ابعاد مختلف دینی و اجتماعی سروده است. «تعداد ۴۵ رباعی از رباعیات سعدی مستقیماً به موضوعات خاص اخلاقی اختصاص دارد و نصیحت‌های اخلاقی در آن‌ها موج می‌زند» (مجد و سیدزاده، ۱۳۹۹: ۳۶۶). سعدی همواره به وجوه مختلف زندگی انسان‌ها با دیده عبرت و تأمل نگریسته و حاصل تفکر و تأمل خود را در

قلب پند و اندرز به آیندگان عرضه کرده است. سعدی بنابه روحیه تعلیمی خود، دستورالعمل‌های اخلاقی سازنده‌ای را در اختیار خوانندگان اشعار خود قرار داده و آنان را به سوی سعادت و کمالات روحی دعوت کرده است؛ بر همین اساس رباعیات اخلاقی و کرداری خاص سعدی در میان رباعیات او جایگاه ویژه و برجسته‌ای دارد که در این قسمت از پژوهش به تشریح تعدادی از این رباعیات اخلاقی پرداخته می‌شود.

۲-۵-۱ توجه به لطف خدا

در دیدگاه فقهی و دین‌مدارانه سعدی کسب فضائل انسانی و اخلاقی از لطف و اراده خداوند صادر می‌شود و باید به عنایات خداوندی توجه داشت و سپاسگزاری از رحمانیت او دائماً در نظر همگان باشد:

بسیار برفتند و به جایی نرسیدند
ارباب فنون با همه علمی که بخواندند
توفیق سعادت چو نباشد چه توان کرد
ابلیس برانندند و بر او کفر بماندند
(همان: ۸۶۵)

سپاس دار خدای لطیف دانا را
که لطف کرد و به هم برگماشت اعدا را
همیشه باد خصومت جهود و ترسا را
که مرگ هر دو طرف تهنیت بود ما را
(همان: ۸۵۹)

۲-۵-۲ اهمیت به سلامت جسم و روح

از نظر سعدی با سلامت تن و روان می‌توان به اهداف مدنظر و فیوضات نفسانی دست یافت و با تنبلی و روح پر از تشویش، سرانجام کارها و عاقبت امور به شکست می‌انجامد:

تدبیر صواب از دل خوش باید جست
سرمایه عافیت کفاف است نخست
شمشیر قوی نیاید از بازوی سست
یعنی ز دل شکسته تدبیر درست
(همان: ۸۴۰)

۲-۵-۳ پرهیز از نصیحت کردن نادان

یکی از نکات اخلاقی مهمی که در آثار نظم و نثر سعدی اشتراک دارد، دوری از نصیحت و همراهی کردن افراد نادان و هم‌صحبتی با آنان است؛ زیرا این دسته از افراد پندپذیر نیستند و

بنابر ذات پلید خود، در سخن‌گویی، لجاجت و زشتی کلام خود را بروز می‌دهند:

آن کس که خطای خویش بیند که رواست	تقریر مکن صواب نزدش که خطاست
آن روی نمایدش که در طینت اوست	آیینۀ کج، جمال نماید راست
(همان: ۸۵۱)	
نادان همه‌جا با همه‌کس آمیزد	چون غرقه به هرچه دید دست آویزد
با مردم زشت‌نام همراه مباش	کز صحبت دیگدان سیاهی خیزد
(همان: ۷۵۹)	

۲-۵-۴ صبر در ناملازمات

از جمله نکات اخلاقی مؤکد در آثار سعدی مسئله صبر است. در آیات و روایات دینی، سرلوحه قرارداد صبر و تحمل در سختی‌های روزگار بسیار سفارش شده است و انسان‌ها باید با توکل و اراده قوی، با امور ناخوشایند و ناخواسته کنار بیایند. «استعینوا بالصبر و الصلاة إن الله مع الصابرين - از صبر و نماز کمک بگیرید، که خداوند با صابران است» (بقره: ۱۵۳):

نه هرکه زمانه کار او در بندد	فریاد و جزع بر آسمان پیوندد
بسیار کسا که اندرونش چون رعد	می‌نالد و چون برق لبش می‌خندد
(همان: ۷۳۱)	

۲-۵-۵ توجه به درویشان

توجه به افراد درمانده و به‌ویژه انسان‌های صاحب نفس طاهر از آموزه‌های مهم دینی و اخلاقی است که سعدی در این رباعی بر آن تأکید دارد:

خود را ز شراب کبر مدهوش کند	نه هرکه طراز جامه بر دوش کند
بدعهد بود که یار درویشی را	در حال توانگری فراموش کند
(همان: ۸۱۱)	

۲-۵-۶ دوری از هوای نفس

در منابع دینی و سخنان عارفان بزرگ، لازمه رسیدن به مراحل سیر و سلوک و کسب صفای باطن، پرهیز از خواهش‌های نفسانی ذکر شده است تا انسان بتواند نفس خود را

از پلیدی‌های نفس شیطانی دور و پاک کند و در دریای رحمت حق غوطه‌ور شود؛ بر همین مبنا سعدی بر این اصل مهم تعلیمی تأکید کرده است. «سعدی به مثابه عارفی الهی است که در تزکیه نفس، تصفیة باطن و تهذیب روح انسان، به سراغ مؤلفه‌هایی می‌رود که برای پاک‌ماندن و حضورش در جامعه کاربرد دارد» (رستگار، ۱۳۷۵: ۱۶۰).

فرزانه رضای نفس رعنا نکند تا خیره نگردد و تمنا نکند
 ابریق اگر آب تا به گردن نکنی بیرون‌شدن از لوله تقاضا نکند
 (همان: ۷۹۷)

۲-۵-۷ فرق نهادن بین حسن و قبح

یکی دیگر از نکات اخلاقی مهم در نظر سعدی، تمایز قراردادن بین ارزش‌ها و چیزهای بی‌مقدار است. از نظر شاعر باید قدر و منزلت هر شیء و یا کرامت افراد دانسته شود تا جایگاه و شأن آن‌ها حفظ گردد:

گر سنگ همه لعل بدخشان بودی پس قیمت سنگ و لعل یکسان بودی
 گر در همه چاهی آب حیوان بودی دریافتنش بر همه آسان بودی
 (همان: ۸۲۴)

هرگز پر طاووس کسی گفت که زشت است با دیو کسی گفت که رضوان بهشت است
 نیکی و بدی در گهر خلق سرشت است از نامه نخوانند مگر آنچه نوشته است
 (همان: ۸۵۸)

۳- نتیجه‌گیری

در یک نگاه کلی می‌توان گفت، جنبه تعلیمی و پند و اندرز در کلام سعدی یک شاخصه اساسی است که نمای ظاهری و درونی اشعارش را در بر گرفته است؛ نیز یک اصل جدانشدنی از همه آثار نظم و نثر اوست که در جای جای کلام سعدی خودنمایی می‌کند. بنیان‌های تعلیمی رباعیات سعدی بیشتر در اعتقادات دینی وی ریشه دارد. می‌توان گفت در بسیاری از اندیشه‌های تعلیمی او، دین مانند یک معیار و میزان عمل می‌کند. البته دین در تفکرات سعدی منحصر به یک مذهب خاص نیست؛ بلکه خاستگاهی بینادینی دارد. یعنی تلفیقی از مضامین دینی گوناگون است. اندیشیدن به مرگ

دغدغه اصلی در تفکرات تعلیمی سعدی است. سعدی درباب مرگ و بی اعتباری دنیا، ترکیبی از اندیشه ایران باستان و به ویژه فردوسی و تفکر خیّامی را مدنظر قرار داده و با آن‌ها اشتراکات ظاهری و فکری معناداری داشته است؛ ولی درمجموع، شاعر بیشتر از جنبه معنوی به مرگ نظر کرده است و آن را امری سازنده و تذکردهنده برای انسان‌ها دانسته است. مرگ مانند استعاره برتری است که خوشه‌های معنایی و تعلیمی فراوانی را در رباعیات وی به وجود آورده است. گذرابودن این دنیا، احسان و نیکی در حق دیگران، لذت و تمتع از فرصت اندک عمر و عدالت‌جویی، همگی از تبعات مرگ‌اندیشی در رباعیات سعدی است.

مرگ در نظر سعدی، مانع تمتع و لذت بردن دنیایی نیست؛ بلکه اتفاقاً مانند یک نیروی زندگی‌ساز است که باعث بهره‌گیری از دنیا هم می‌شود.

نمود عینی و محسوس لذت‌جویی در زندگی، مضمون عشق است. از نظر سعدی بهترین راه برای رسیدن به آسایش و راحتی تن و روان با عشق‌بازی حاصل می‌شود. بر همین اساس شاعر به صورت تعلیمی این موضوعات را با دو نگاه مادی‌نگر و عرفان‌محور در رباعیات خود آورده است. رباعیات عاشقانه سعدی با محوریت مضمون عشق، بیشترین نمود و کمیت را در رباعیات شاعر به خود اختصاص داده و حدود صد و چهل رباعی در این رابطه سروده شده است. جنبه تعلیمی در اشعار عاشقانه سعدی از این دیدگاه بررسی‌پذیر است که شاعر به مخاطبان خود گوشزد می‌کند و پند و اندرز می‌دهد که رسیدن به آرامش یا با عشق زمینی و یا با عشق آسمانی حاصل می‌شود. در رباعیات عاشقانه سعدی یک رابطه احساسی بین یک عاشق شیدا و معشوقی بی‌همتا ترسیم شده است که لحظه‌ای از یاد و کلام هم دور نمی‌شوند و سعدی می‌خواهد از این طریق به شادی و نشاط جسمی و روحی برسد. شور عشق و عشوه‌های ارتباطی بین طالب و مطلوب در این سروده‌ها، لطافتی خاص و ادبی به رباعیات او داده است.

مبانی تعلیمی سعدی فقط بنیان‌های فلسفی و دینی محض ندارد؛ بلکه به نوعی اخلاق‌کاربرد و اجتماعی هم تبدیل می‌شوند؛ یعنی این گونه نیست که در سطح پند و اندرز باقی بمانند؛ بلکه وجهی کارکردی و اجتماعی می‌یابند. عدالت از جمله کارکردها و

آموزه‌های عملی رباعیات سعدی است. سعدی شاعری اجتماعی و دادخواه است که در باب اجرای عدالت، دغدغه زیادی داشته و رباعیات متعددی در این زمینه سروده است. او در اشعار خود، بارها بزرگان زمانه را خطاب قرار می‌دهد و به آن‌ها سفارش می‌کند که عدل و عدالت را ضامن بقا و اجرای دیگر امور، در کار خود قرار دهند. ازسوی دیگر نکات تعلیمی سعدی در زمینه عدالت، بیانگر اهمیت اجرای عدل در جامعه و دعوت از مردم به سوی عدالت‌خواهی و مطالبه حق و حقوق خودشان است. حمله مغول‌ها به سرزمین ایران، و ظلم و ستم‌هایی که آن‌ها در حق مردم این مرز و بوم روا داشتند و وجود حکومت‌های مستبد در زمان سعدی، او را بر این داشت تا در رباعیات خود، به مبحث کاربردی و تعلیمی اجرای عدالت و دادخواهی بپردازد.

بنیان‌های تعلیمی اندیشه‌های سعدی آن‌قدر در سطح رباعیات وی گسترده است که حتی غامض‌ترین مباحث کلامی و فلسفی نیز در اندیشه وی به آموزه‌ای اخلاقی و تعلیمی تبدیل می‌شود. این دیدگاه سعدی بیانگر نگاه مخاطب‌محورانه وی است؛ یعنی از نظر وی، متن و شعر آنگاه به معنا و مفهوم واقعی خود می‌رسد که در جهت اقناع و ادراک مخاطب به کار رود. بر همین اساس وی جبر و اختیار را از حالت کلامی و نظری بیرون می‌آورد و آن‌ها را مانند امری تعلیمی در زندگی مخاطب جاری می‌کند. از منظر تعلیمی سعدی، اگر انسان‌ها ظلم و استبداد را سرلوحه امور خود قرار دهند، بنابه جبر روزگار در ناگواری‌ها و تقدیرات ناخوشایند گرفتار می‌شوند و متقابلاً اگر با اختیار و اراده‌ای که دارند، راه حق و حقیقت را برگزینند، سعادت ابدی نصیب آن‌ها خواهد شد. نگاه سعدی به امر جبر و اختیار یک نگاه ترکیبی است. سعدی به صورت صریح، حدود ۱۲ رباعی درباره جبر و اختیار سروده است که جنبه تعلیمی آن‌ها نمود خاصی در رباعیات وی دارد.

اخلاقیات (تذکرات خاص رفتاری) در رباعیات سعدی، با آگاهی عمیق شاعر به شئون ملزوم رفتاری و روحی در چند رباعی مختلف به صورت مستقیم با پند و اندرزهای معنوی و معرفتی نمود یافته است؛ شاعر برای اصلاح امور دنیوی و اخروی مخاطبان خود آن‌ها را با عناوین و وجوه متعدد سروده است تا مخاطبان به طرق سعادت

دنیوی و اخروی دست یابند. در رباعیات اخلاقی سعدی، نگاه مطلوب و آرمانی شاعر برای نشان دادن افعال خداپسندانه و روحانی جلوه‌گر می‌شود و شاعر اینچنین گوشزد می‌کند که حصول سعادت منحصراً با کاربرد فضائل اخلاقی و کردار نیک حاصل می‌شود. در مجموع، مهم‌ترین موضوعات برجسته در مبحث اخلاقیات سعدی عبارت‌اند از: توجه به لطف و سپاس از خداوند، احسان، محبت، صبر، دوری از افراد نادان و پرهیز از خواهش‌های نفسانی. در مجموع همه موضوعات اخلاقی خاص به‌کاررفته در رباعیات سعدی، از امور ملزوم در زندگی فردی، اجتماعی و حصول فیض اخروی برای انسان‌هاست.

جدول شماره ۱: بسامد کمی و تحلیلی اندیشه‌های تعلیمی در رباعیات سعدی

مضمون تعلیمی	آمار و بسامد	نوع نگاه	مصدر اندیشه
مرگ	۱۶ رباعی	حکمی، دینی	اعتقادات بین‌الادیانی
جبر و اختیار	۱۲ رباعی	مادّی، فقهی	زروانی و شیعی
عدالت	۱۰ رباعی	اجتماعی	تفکرات فردوسی و عقاید دینی
عشق	۱۴۰ رباعی	مادّی، عرفانی	اندیشه ختیمی و دین
اخلاقیات	۴۵ رباعی	فقهی، دینی	قرآن و احادیث

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امداد، حسن (۱۳۷۷)، *جدال مدعیان با سعدی*، شیراز: نوید.
۳. تجلیل، جلیل (۱۳۸۰)، «سعدی تالی فردوسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال پنجم، ش ۸، ۱-۱۷.
۴. تمیم‌داری، احمد (۱۳۷۹)، *کتاب ایران (تاریخ ادب پارسی، مکتب‌ها، دوره‌ها، سبک‌ها و انواع ادبی)*، تهران: انتشارات الهادی.

۵. جوکار، منوچهر؛ فاضلی، شیما (۱۳۹۳)، «بررسی شباهت برخی از اندیشه های سعدی و باورهای زروانی»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی، سال ۱۰، ش ۳۷، ۱۰-۳۷.
۶. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۶۹)، خیر الاثر در ردّ جبر و قدر، تهران: نشر قبله.
۷. رزمجو، حسین (۱۳۷۴)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۸. رستگار، منصور (۱۳۷۵)، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، تهران: امیرکبیر.
۹. رشیدی، خسرو (۱۳۷۹)، «تحلیل محتوای مفهوم عشق در غزل سعدی»، نشریه کتاب، ماه، ادبیات و فلسفه، شماره ۴۱ و ۴۲، ۲۴-۴۴.
۱۰. رشیدی، هومن (۱۳۹۹)، «ریشه های جبرگرایی و قضا باوری در سبک عراقی و شعر سعدی»، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی کرمانشاه، ش ۸، ۵۰-۷۲.
۱۱. سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۸۵)، کلیات سعدی، به کوشش محمدعلی فروغی، تهران: نشر افکار.
۱۲. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱)، تاریخ ادبیات ایران، چاپ دهم، تهران: فردوس.
۱۳. غنی، قاسم (۱۳۸۰)، تاریخ تصوف در اسلام (بحث در آثار و احوال حافظ و سعدی)، جلد دوم، تهران: زوار.
۱۴. قنبری، محمدرضا (۱۳۸۵)، «سعدی و خیام، بررسی اندیشه های خیام و سعدی»، پژوهش نامه ادب فارسی، شماره نهم، ۶۵-۸۱.
۱۵. کمالی سروستانی، کوروش (۱۳۷۹)، سعدی شناسی (دفتر دوم)، تهران: مرکز سعدی شناسی.
۱۶. مجد، امید؛ سیدزاده، نسرین (۱۳۹۹)، «سبک شناسی زبانی و بلاغی رباعیات سعدی»، مجله مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۱، شماره ۲۲، ۳۶۹-۳۹۴.